



پایه :	۶	موضوع :	فلسفه
تاریخ :	۸۹/۳/۲۴	ساعت :	

نام کتاب: آموزش فلسفه، تألیف استاد مطهری

لطفاً فقط به ۱۰ سؤال پاسخ دهید - هر سؤال ۲ نمره

۱. فلسفه در اصطلاح رایج و غیر رایج بین مسلمین به چه معناست؟ ۱۴۸-۱۴۹

فلسفه در اصطلاح شایع مسلمین، همه دانشهای عقلی را در مقابل دانشهای نقلی شامل می‌شود. و آنگاه که می‌خواستند تقسیم ارسطویی را درباره علوم بیان کنند کلمه فلسفه یا حکمت را به کار می‌بردند.

۲. چهار روش فکری که روح خاص فرهنگ اسلامی بر آنها حاکم است را نام ببرید. ۱۸۰-۱۷۵

سلوکی عرفانی - استدلالی کلامی - فلسفی استدلالی - فلسفی مشائی

۳. مراد از حکمت تجربی چیست؟ ۱۸۴

حکمت تجربی آن است که نه با عقل و استدلال سر و کار ندارد و نه با دل و الهامات قلبی و سر و کارش با حس و تجربه و آزمایش است.

۴. دو عیب حکمت تجربی را بیان کنید. ۱۸۶

۱. نیاز فلسفی بشر درباره مسائلی است بس وسیعتر از آنچه در قلمرو تجربه قرار می‌گیرد.

۲. نیاز اساسی بشر یقین و اطمینان است در حالی که ارزش مسائل تجربی متزلزل است و هر لحظه انتظار منسوخ شدن آنها می‌رود. (اطمینان و یقین در مسائلی پیدا می‌شود که «تجرد ریاضی» یا «تجرد فلسفی» داشته باشند).

۵. مراد از عالم «مثال» و «عقول» چیست؟ ۱۹۱

مثال: عالمی برتر از طبیعت که دارای صور و ابعاد است اما فاقد حرکت و زمان و تغییر است.

عقول: عالمی که از صور و اشباح مبرا است و فوق عالم ملکوت است.

۶. وجود ذهنی را تعریف کنید. ۱۹۵

وجودی از اشیاء که در ذهن ما پیدا می‌شود.

۷. حادث و قدیم در اصطلاح فلسفی را تعریف نموده و نظر متکلمین و فلاسفه اسلامی را در مورد حدوث یا قدم عالم بیان

نمایید. ۲۰۴

فلاسفه حدوث را به «مسبوق بودن هستی شیء به نیستی خودش» و عدم را به «مسبوق نبودن هستی شیء به شیء خودش» تعریف می‌کنند. متکلمین اسلامی معتقدند که فقط خداوند قدیم است و هر چه غیر از خداست به عنوان جهان یا ما سوی نامیده می‌شود.

۸. در فلسفه ارسطو، انواع تغییر را نام برده و تعریف کنید. ۲۰۹

۱. حرکت: تغییرات تدریجی اجزاء طبیعت را گویند. ۲. کون و فساد: تغییرات دفعی اجزای طبیعت را گویند.

۹. علت را تعریف کنید و اقسام علت را فقط نام ببرید. ۲۱۸

علت آن چیزی است که معلول در کیان و هستی خود به او نیازمند است.
علت فاعل - علت غائی - علت مادی - علت صوری.

۱۰. منشأ اشتباه فلاسفه جدید در پذیرفتن اصل ثبات چیست؟ ۲۱۶

اشتباه فلاسفه جدید ناشی از دو جهت است، یکی عدم درک انقسام هستی به ثابت و سیال، و دیگر این که تصور آنان درباره اصل تناقض و اصل تضاد نارسا بوده است.

۱۱. علت در اصطلاح طبیعیات با علت در اصطلاح فلاسفه چه تفاوتی دارد؟ م ۲۲۰

از نظر فلاسفه علت عبارت است از وجود دهنده، یعنی چیزی علت است که وجود دهنده چیز دیگر باشد. اما علمای علوم طبیعی حتی در موردی که رابطه میان دو چیز صرفاً رابطه تحریک و تحرک است کلمه «علت» اطلاق می‌کنند. مثلاً بناً از نظر علمای طبیعی علت خانه است ولی نظر فلاسفه علت نیست و «معل» است.